

Original Article

The Ethico-legal Approach to Equality Principle in the Rights of Children with Special Needs

Sakineh Soltani Kuhbanani^{1*}, Nabiollah Gholami²

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Educational sciences & Psychology Faculty, Ferdowsi University of Mashhad (FUM), Mashhad, Iran (Corresponding Author) Email: S.Soltani@ferdowsi.um.ac.ir

2. PhD Candidate, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 13 Jan 2018 Accepted: 3 Apr 2018

Abstract

Background and Aim: The particular physical, mental and psychological characteristics of children with special needs requires certain education, facilities and support. This study aimed to the ethico-legal analysis of the Iran's law and regulations owing to equality principle in children with special needs.

Materials and Methods: In this analytical study, firstly, Iranian laws related to the rights of children with special needs were proposfully searched. After the ethico-legal analyzing the law and regulations, legal challenges and pittingfalls were identified.

Findings: Although the laws of Iran, do not explicitly refer to children with special needs and their rights, however some examples of legislator attention to these children are seen, which can be explained under the two subtitles of equality in terms of social rights and criminal law. Regarding equality in terms of social rights, the positive aspect and providing facilities for fostering of the talents and capabilities of the children with special needs. In the area of criminal justice, the legislative objective is to protect these children against crime and abuse.

Conclusion: Despite the existence of some policies for equality and non-discrimination in the area of the rights of children with special needs in Iran's laws, there are many gaps in this regard. It is recommended that legislators to adopt some policies such as the redefinition of the concept of children with special needs and inclusion of the certain and explicit laws and regulations for them and also formulation of differential policies in the criminal investigation process for crimes against these children.

Keywords: Children; Special Needs; Ethics; Equality; Law; Rights; Iran

Please cite this article as: Soltani Kuhbanani S, Gholami N. The Ethico-legal Approach to Equality Principle in the Rights of Children with Special Needs. *Bioethics Journal* 2018; 8(27): 19-31.

نگرشی اخلاقی - حقوقی به جایگاه اصل برابری در حقوق کودکان با نیازهای ویژه

سکینه سلطانی کوهبنانی^{۱*}، نبی‌اله غلامی^۲

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: S.Soltani@ferdowsi.um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: کودکان با نیازهای ویژه از جمله افرادی هستند که بنا بر ویژگی‌های جسمی و روانی خاص خود، نیازمند دریافت آموزش‌ها، تسهیلات و حمایت‌های خاص می‌باشند. هدف این مطالعه تحلیل اخلاقی - حقوقی قوانین ایران از منظر جایگاه اصل برابری در حقوق کودکان با نیازهای ویژه است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تحلیلی ابتدا قوانین مرتبط به حقوق کودکان استثنایی در ایران به صورت هدفمند جستجو شده و پس از بررسی و تحلیل اخلاقی و حقوقی این قوانین، شکاف‌های قانونی مشخص گردید.

یافته‌ها: اگرچه در قوانین ایران به طور خاص به کودکان دارای نیازهای ویژه و حقوق آن‌ها اشاره نشده است، با این حال، با جستجو در قوانین مختلف، می‌توان نمونه‌هایی از توجه قانونگذار به این کودکان را ملاحظه کرد که ذیل دو عنوان برابری از حیث حقوق اجتماعی و حقوق کیفری قابل تبیین است. در خصوص برابری از حیث حقوق اجتماعی، تمرکز بر جنبه ایجابی و فراهم‌آوردن امکاناتی به منظور پرورش استعدادها و قابلیت‌های این کودکان است. در خصوص برابری از حیث عدالت کیفری نیز هدف قانونگذار حمایت از کودکان استثنایی در برابر بزه‌دیدگی و سوء استفاده است.

نتیجه‌گیری: علیرغم وجود سیاست‌هایی برای اعمال برابری و عدم تبعیض در زمینه حقوق کودکان با نیازهای ویژه در قوانین ایران، شکاف‌های متعددی در این خصوص وجود دارد. اتخاذ سیاست‌هایی نظیر بازتعریف مفهوم کودکان با نیازهای ویژه، گنجاندن مقررات صریح و معین برای حفاظت از حقوق این کودکان، ذیل قوانین مربوط به کودکان و تدوین سیاست‌های افتراقی در فرآیند رسیدگی کیفری به جرائم ارتكابی علیه این کودکان توسط قانونگذار توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: کودکان؛ نیازهای ویژه؛ اخلاق؛ برابری؛ قانون؛ حقوق؛ ایران

مقدمه

به رغم این که امروزه لزوم رعایت حقوق کودکان استثنایی امری بدیهی به نظر می‌رسد، با این حال توجه قوانین بین‌المللی به حقوق افراد با آسیب‌های ذهنی که امروزه «بزرگ‌ترین اقلیت» در جهان شناخته می‌شوند (۱-۲). معطوف به سده کنونی و به خصوص چند دهه اخیر است که با تصویب قوانین و معاهده‌هایی، سعی در جبران سال‌ها بی‌توجهی به حقوق این افراد را داشته است.

دین اسلام که توجه ویژه‌ای به رعایت حقوق افراد معلول و استثنایی داشته است، به طوری که از همان ابتدای ظهور اسلام، پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر رعایت حقوق این افراد تأکید فراوان داشته‌اند، اما در دنیای باستان، رومیان و یونانیان با این اعتقاد که یک جامعه پویا، نشأت‌گرفته از پویایی شهروندان آن است، قوانینی تصویب کردند که بر اساس آن افرادی که قادر نبودند به برتری جامعه کمک کنند در اولین فرصت حذف شوند (۳). این موضوع در گفتار اندیشمندان بزرگ آن دوران نیز تجلی یافته است. ارسطو در کتاب سیاست، راجع به تربیت و پرورش کودک چنین می‌گوید «باید قانونی باشد که هیچ فرد ناقصی حق ادامه حیات نداشته باشد». بقراط نیز، کودکان را به دو گروه کودکانی که «ارزش بزرگ کردن را داشته باشند» و کودکانی که فاقد چنین ارزشی هستند (۴)، تقسیم‌بندی کرده است.

بررسی حقوق کودکان استثنایی از چند جهت حائز اهمیت است، نخست این که این افراد، فارغ از ویژگی‌های ساختاری و روانی، انسان هستند و به همین دلیل دارای حق هستند. همین امر در بند یک مقدمه کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مورد توجه قرار گرفته و مقرر شده است: «دولت‌های عضو این کنوانسیون (الف) با یادآوری اصول اعلام‌شده در منشور سازمان ملل متحد که منزلت و ارزش ذاتی و حقوق برابر و لاینفک همه اعضای خانواده بشری را به عنوان بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان به رسمیت می‌شناسد... به شرح زیر توافق نموده‌اند» (۵)؛ دوم این که این افراد به دلیل کودک‌بودن از نظر موازن عقل و اخلاق نیازمند توجه ویژه‌ای هستند؛ سوم این که، این افراد در وضعیتی خاص و به تعبیر

متداول استثنایی قرار دارند. از این رو توجهی مضاعف می‌طلبند؛ در نهایت این که بسیاری از نظام‌های مدرن فکری امروز، کودک را نادانی فرض می‌کنند که حتی باید فکرکردن را نیز به او آموخت (۶).

یکی از جنبه‌های مهم در توجه به حقوق این کودکان، رعایت اصل برابری در خصوص حقوق این افراد است. به عبارت بهتر این افراد همانند سایر شهروندان باید بتوانند از حقوقی که قانونگذار برای شهروندان عادی جامعه در نظر گرفته است برخوردار شوند. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نیز در ماده ۱ خود بر این امر تأکید داشته و بیان می‌کند: «هدف این کنوانسیون، ارتقا، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقای احترام نسبت به منزلت ذاتی آن‌ها می‌باشد» (۵). در هر جامعه‌ای درصدی از افراد نیاز به حمایت‌های خاص دارند و بدون این حمایت‌ها، قادر به برآوردن و تأمین نیازهای خویش و بهره‌گیری از مواهب جامعه نیستند. در مواجهه با این افراد باید توجه داشت که آن‌ها نیازمند ترحم نیستند، بلکه باید به صورت منطقی با آن‌ها برخورد شود (۷). با توجه به ویژگی‌های خاص این افراد، طبیعتاً برای نیل به این منظور، قانونگذار باید یک سری از تدابیر حمایتی مختص این افراد را مدنظر قرار داده و از این راه باعث شود این افراد نیز در برخورداری از حقوق خود به سطح مطلوب جامعه برسند. این مسأله هم از نظر حقوقی و هم از نظر اخلاقی واجد اهمیت است.

با توجه به مطالب ذکرشده، سؤال اصلی این نوشتار معطوف به این مسأله است که «اصل برابری در خصوص رعایت حقوق کودکان استثنایی در قوانین ایران چه جایگاهی دارد؟» و نیز این که «مهم‌ترین مصادیق تلاش قانونگذار ایران برای اعمال این اصل در خصوص حقوق کودکان استثنایی چه مواردی هستند؟»

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف، در زمره تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی است؛ بدین معنا که از منظر توسعه‌ای به دنبال افزایش آگاهی در زمینه رعایت اصل برابری در خصوص حقوق

کودکان استثنایی است و از منظر کاربردی نیز به دنبال تبیین وظایف قانونگذار در زمینه تدوین و اجرای سیاست‌های افتراقی در خصوص کودکان استثنایی است. در این مطالعه تحلیلی، ابتدا قوانین مرتبط به حقوق کودکان استثنایی در ایران به صورت هدفمند جستجو شده و پس از بررسی به روش کتابخانه‌ای و تحلیل اخلاقی و حقوقی، شکاف‌های قانونی مشخص گردید.

۱- مفهوم کودکان با نیازهای ویژه (استثنایی)

کلمه استثنایی، واژه‌ای جامع و کلی است که به معنای دقیق کلمه، شامل همه انسان‌ها می‌شود، زیرا خلقت انسان‌ها از دیدگاه الهی، خلقتی ویژه و استثنایی است. با این حال امروزه واژه استثنایی به کودکانی اطلاق می‌شود که از جهات مختلف ذهنی، جسمی، عاطفی و اجتماعی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دیگر کودکان همسال خود دارند (۷). واژه معلول نیز به کسی اطلاق می‌شود که به علت نقص جسمی، ذهنی یا اختلال رفتاری شدید، مشکلات و مسائل خاص دارند و به توجه فوق‌العاده نیازمنداند (۷). بنابراین از نظر اصولی، بین عنوان معلول و استثنایی رابطه عموم و خصوص برقرار است، بدین معنا که هر کودک معلول، استثنایی نیز محسوب می‌شود، اما هر کودک استثنایی لزوماً معلول به شمار نمی‌آید. علی‌رغم این‌که کودکان استثنایی بیش از کودکان عادی توجه اولیا و مربیان را به خود جلب می‌کنند، ولی متأسفانه کم‌تر از کودکان عادی مورد توجه قرار می‌گیرند (۹). یکی از علل این امر را می‌توان نبود ساز و کار مشخص قانونی برای حمایت از این کودکان و نارسایی‌هایی فرهنگی جامعه دانست.

یکی از جامع‌ترین تعاریفی که از کودکان استثنایی به عمل آمده و تقریباً مورد اجماع همه متخصصین است، تعریفی است که در ذیل بیان می‌شود. بر اساس این تعریف «کودکان استثنایی کسانی هستند که برای شکوفاشدن استعدادهای بالقوه‌ای که از آن برخوردارند، به آموزش و پرورش و خدمات ویژه‌ای نیاز دارند. آن‌ها به این دلیل به چنین آموزش‌ها و خدماتی نیازمندند که در یک یا چند جنبه از جنبه‌های زیر با اغلب کودکان تفاوت دارند. آن‌ها ممکن است دچار مشکلاتی از این قبیل باشند: عقب‌ماندگی ذهنی، ناتوانی در یادگیری،

ناراحتی‌ها و آشفتگی‌های عاطفی، نقایص جسمانی، نقص در سخن گفتن، عیب شنوایی، عیب بینایی و یا استعدادهای درخشان و تیزهوشی و...» (۱۰-۱۲).

با توجه به تعریف ارائه‌شده، در خصوص کودکان استثنایی نکات ذیل واجد اهمیت هستند. نخست، این کودکان نیازمند آموزش هستند، از این روست که امروزه بحث آموزش کودکان استثنایی از جمله مباحث مهم در زمینه روانشناسی این کودکان است (۱۱)؛ دوم، این کودکان با کودکان عادی جامعه از یک یا چند جنبه فیزیکی یا روانی دارای تفاوت هستند؛ سوم، برخلاف تصور عامه که اصطلاح کودک استثنایی را فقط در خصوص کودکانی به کار می‌برند که دارای نوعی عقب‌ماندگی ذهنی هستند، از نظر علمی، کودک استثنایی هر کودکی است که از نظر ویژگی با کودکان عادی تفاوت داشته باشد، اعم از این‌که عقب‌مانده ذهنی باشد و یا تیزهوش و با استعداد فوق‌العاده باشد (۱۱).

با توجه به این‌که معمولاً، از بین کودکان استثنایی، حقوق کودکان عقب‌مانده جسمی و ذهنی (و نه حقوق کودکان تیزهوش) مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد از این رو در این نوشتار تمرکز اصلی بر حقوق کودکان عقب‌مانده است.

۲- جایگاه کودکان استثنایی در قوانین ایران

با بررسی در قوانین ایران، به این نکته پی می‌بریم که قانونگذار، خواسته یا ناخواسته، ذکری از عنوان کودک استثنایی به میان نیاورده است. بنابراین جایگاه این کودکان در قوانین ایران را باید در سایر قوانین مرتبط یافت. از این میان، قوانین مرتبط با حقوق معلولان واجد توجه است که ظاهراً قانونگذار، معلول را در معنای عام در نظر گرفته و کودک استثنایی را نیز ذیل این عنوان بیان کرده است. در ذیل به برخی از مهم‌ترین قوانین در این رابطه پرداخته می‌شود.

۱-۲- لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی

کشور (مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۴): پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و شاید تحت تأثیر توجهی که دین مبین اسلام به حقوق معلولان و کم‌توانان ذهنی و جسمی دارد، لایحه‌ای موسوم به «لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور» در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲۴ به تصویب

شورای انقلاب رسید. این لایحه قانونی، در تاریخ ۹ بهمن‌ماه ۱۳۷۵ توسط مجلس شورای اسلامی طی قانونی به نام «قانون اصلاح لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹» دچار تغییراتی شد. در ماده واحده این قانون چنین آمده است: «در جهت تحقق مفاد اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تأمین موجبات برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی و تهیه هنجارها و استانداردهای خدماتی و توسعه دامنه اجرای برنامه‌های بهزیستی در زمینه حمایت خانواده‌های بی‌سرپرست و نیازمند و ارائه خدمات مختلف به کودکان و تدارک امکانات پیشگیری و توان‌بخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلول جسمی و روانی و تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت و نگهداری از کودکان و اطفال بی‌سرپرست و معلولین غیر قابل توانبخشی و سالمندان نیازمند و آموزش نیروی انسانی خدمات بهزیستی و توان‌بخشی و تأمین موجبات تشویق، جلب مشارکت و فعالیت گروه‌های داوطلب و مؤسسات غیر دولتی، سازمان بهزیستی کشور تشکیل می‌شود.» به رغم این‌که در صدر این ماده واحده، یکی اهداف تشکیل سازمان بهزیستی، حمایت و نگهداری از معلولین دانسته شده است، ولی در این قانون تعریفی از معلولین ارائه نشده است. در قانون اصلاح این قانون نیز ذکری از معلول یا کودکان استثنایی به میان نیامده است و فقط در تبصره ۱۶ قانون اصلاحی، به سازمان بهزیستی کشور اجازه داده شده است تا در جهت پیشگیری، تشخیص و جلوگیری از شدت معلولیت‌ها طبق ضوابط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مراکز توان بخش پزشکی را در چارچوب تشکیلات موجود سازمان ایجاد نماید.

۲-۲- قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب

۱۳۸۳) (در ۱۶ ماده، ۲۴ تبصره و ۷ آیین‌نامه): این قانون را می‌توان نخستین و تنها قانونی در ایران دانست که به طور خاص در خصوص معلولان تصویب شده است. تبصره ذیل ماده ۱ این قانون «معلول» را این گونه تعریف کرده است: «افرادی که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری

که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.» بند ۳ - الف دستورالعمل اجرایی ماده ۶ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (در خصوص معاف‌بودن یکی از فرزندان اولیایی که خود ناتوان (کم‌توان) یا معلول بوده حداقل دو فرزند معلول دارند)، نیز همین تعریف را از معلول ارائه کرده است. بند ۳ - ب همین دستورالعمل معلولیت را به شش گروه اصلی زیر تقسیم کرده است: «معلولیت جسمی حرکتی، معلولیت ذهنی، معلولیت بینایی، معلولیت شنوایی، معلولیت گفتاری، معلولیت بیماران روانی مزمن.» درصد معلولیت در هر گروه نیز بر اساس درجه‌بندی چهارگانه «خفیف، متوسط، شدید، خیلی شدید» بیان شده است.

۳-۲- ماده واحده قانون تصویب کنوانسیون حقوق

افراد دارای معلولیت (مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۳): این قانون در واقع قانون پذیرش «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶ م.)» است که در سیزدهم دی‌ماه ۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسید. از آنجایی که بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، این کنوانسیون نیز برای پذیرش در ایران، در مجلس مورد تصویب قرار گرفت. در تبصره ۱ ماده واحده تصویب این کنوانسیون، سازمان بهزیستی کشور و بنیاد شهید و امور ایثارگران به عنوان مراجع ملی موضوع ماده ۳۳ این کنوانسیون تعیین شده‌اند که به عنوان مرجع ملی نظارت و اجرای این کنوانسیون در ایران اقدام نمایند. در تبصره ۲ این ماده واحده نیز، با اعمال حق شرط در این کنوانسیون، جمهوری اسلامی ایران خود را ملتزم به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد، نمی‌داند.

۴-۲- قانون پذیرش کنوانسیون حقوق کودک مصوب

۱۹۸۹ (مصوب ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی): جمهوری اسلامی ایران در یکم اسفندماه ۱۳۷۲، کنوانسیون حقوق کودک را به صورت مشروط پذیرفت و با تسلیم سند تصویب آن به سازمان ملل متحد، این کنوانسیون در ۱۳۷۳/۵/۲۲ برای ایران لازم‌الاجرا شد، با این حال بر طبق ماده واحده

قانون پذیرش این کنوانسیون، در صورت مغایرت این کنوانسیون با مقررات داخلی و شرعی، مفاد آن در موارد مغایرت برای ایران لازم‌الاجرا نخواهد بود.

۳- مفهوم‌شناسی برابری و عدم تبعیض

برابری از جمله مفاهیمی است که برداشت از آن برای هر شخص، بسته به نوع نظام فکری، اعتقادی خود، و برای هر نظام سیاسی - حکومتی، ذیل اصول و قواعد پذیرفته‌شده آن نظام قابل تبیین است (۱۲). ماده ۲ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، تبعیض را چنین تعریف می‌کند: «تبعیض بر مبنای معلولیت، به معنای هر گونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر مبنای معلولیت است که هدف یا تأثیر آن ناتوانی و یا نفی شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای برابر با دیگران در زمینه‌های مدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا هر زمینه دیگری می‌باشد. این اصطلاح دربرگیرنده تمامی اشکال تبعیض از جمله نفی همسان‌سازی متعارف نیز می‌گردد. «همسان‌سازی متعارف» به معنای اصلاحات و تغییرات مقتضی و ضروری است که فشار بی‌مورد و نامتناسبی را در جایی که در مورد خاصی نیاز می‌باشد، تحمیل ننماید تا بهره‌مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین توسط افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین را تضمین نماید» (۷).

برابری و عدم تبعیض در خصوص کودکان استثنایی را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد: نخست، برابری از حیث حقوق اجتماعی (مدنی) و برابری از حیث حقوق کیفری. منظور از برابری از حیث حقوق اجتماعی، برخورداری این کودکان از همه حقوقی است که افراد در اجتماع و به خاطر زندگی در جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند، از جمله حق کار، حق آموزش و حق بر سلامت؛ منظور از برابری از حیث حقوق کیفری نیز، برابری این افراد با سایر افراد جامعه از نظر دفاع در مقابل بزه‌دیدگی و سایر حمایت‌های کیفری مورد نیاز است که در ادامه به تفصیل بیان خواهند شد.

۴- برابری از حیث حقوق اجتماعی

منظور از حقوق اجتماعی در معنای وسیع آن، به سلسله حقوقی اطلاق می‌شود که برای رفع تبعیض‌های اجتماعی و

اقتصادی، برای فرد شناخته شده است. تبعیض‌هایی که ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند. حقوق اجتماعی در معنای فوق، شامل حقوق سیاسی، عمومی و آزادی در فعالیت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هر فرد به عنوان عضوی از جامعه، حق دارد در سرنوشت اجتماعی خویش دخالت کند، در اداره قوای عمومی جامعه و ارکان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن مشارکت نماید و حقوق و آزادی‌های مشروع خود را در صحنه اجتماع اعمال کند. این تعریف، تعریفی موسع است و تقریباً تمامی موارد حقوق اجتماعی را دربر می‌گیرد، ولی تعریف و مصادیقی که قانونگذار کیفری از این حقوق ارائه کرده، محدوده کم‌تری را شامل می‌شود. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.)، بیان می‌دارد که: «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند...». در ادامه ماده ۲۶ منظور قانونگذار را تشریح نموده و موارد آن را به صورت مصرح قید می‌کند: حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا.

- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رییس‌جمهور.

- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری.

- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم.

- عضویت در هیأت‌های منصفه و امنای شوراهای حل اختلاف.

- اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی.

- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم

از قوای سه گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر

نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آن‌ها.

- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترکاری.

- انتخاب‌شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام.

- انتخاب‌شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی.

- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری.

- تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی. از محتوای این ماده مشخص می‌شود که مفهوم حقوق اجتماعی از نظر قانونگذار به تصدی برخی مناصب، اشتغال در برخی حرفه‌های و عضویت در برخی مجامع و هیأت‌ها محدود می‌شود.

نکته ضروری در خصوص برابری کودکان استثنایی با سایر اشخاص در حوزه از نظر حقوق اجتماعی (و کیفری) لزوماً به این معنا نیست که ساز و کارهای برخورداری این کودکان از حقوق خود، دقیقاً با ساز و کاری برخورداری اشخاص دیگر از حقوقشان یکسان باشد. بنابراین منظور این است که کودکان استثنایی از همه حقوق اجتماعی خود برخوردار شوند، هرچند که ممکن است شیوه بهره‌مندی از این حقوق با شیوه بهره‌مندی سایر کودکان از حقوقشان متفاوت باشد. به عنوان مثال، در خصوص حق آموزش، کودکان استثنایی نیز باید از حقوق آموزش و تحصیل برخوردار باشند، هرچند نتوانند در مدارس معمولی تحصیل کنند. بنابراین باید به جهت برخورداری این کودکان از حق مدارس یا مراکزی خاص آموزش و تحصیل این کودکان دایر شود.

۱-۴- حق آموزش

حق بر آموزش کودکان استثنایی از جمله مباحثی است که در روانشناسی کودکان استثنایی، ذیل عنوان آموزش ویژه کودکان استثنایی مورد توجه قرار گرفته شده است. طبق تعاریف ارائه‌شده، منظور از آموزش ویژه کودکان استثنایی،

برنامه‌ای است که بتواند نیازهای خاص کودکان استثنایی را برآورده سازد، البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که هر کودک استثنایی نیازمند آموزش و امکانات ویژه مختص به خود است. به عنوان مثال، کودک نابینا نیازمند استفاده از کتاب‌هایی با خط درشت یا بریل است یا کودک دارای نقص شنوایی نیازمند سمعک یا وسایلی از این قبیل می‌باشد (۱۰).

آموزش و تحصیل کودکان استثنایی از جمله راه‌کارهایی است که می‌توان با کمک آن، بسیاری از نارسایی‌ها و ضعف‌های کودکان استثنایی را به حداقل ممکن رساند. در بند ۱ ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هدف از آموزش را رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر دانسته است. از این رو منظور از آموزش، صرفاً باسودانمودن افراد نیست، بلکه کمک به آن‌ها در راه رشد قابلیت‌های آن‌ها و توانمندساختن آن‌ها جهت زندگی است. از این رو حتی در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر رایگان و اجباری‌بودن آموزش در سطح ابتدایی تأکید شده است (بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

بند ۱ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، با به رسمیت‌شناختن حق آموزش برای افراد دارای معلولیت، دولت‌های عضو را موظف کرده است که از نظر تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر در موارد ذکرشده در این ماده فراهم نمایند. در بند ۲ این ماده نیز این نکته مهم بیان شده که علاوه بر آموزش همگانی، کودکان دارای معلولیت از آموزش اجباری و رایگان ابتدایی یا متوسطه بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند.

علاوه بر تعهد به کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران نیز به آن‌ها پیوسته است، در سطح داخلی نیز از چارچوب‌های قانونی ضروری است. در این راستا شاید بتوان از ایالات متحده آمریکا به عنوان نمونه‌ای مناسب نام برد. قانونگذار فدرال این کشور در سال ۱۹۹۰ قانون «آموزش برای افراد دارای معلولیت» (IDEA) را به تصویب رساند. این قانون چهار بخشی به طور خلاصه مدارس را ملزم می‌کند که خدمات مورد نیاز افراد دارای معلولیت را ارائه

به معنای طراحی تولیدات، محیط‌ها، برنامه‌ها و خدماتی است که تا سرحد امکان، جهت تمامی افراد، بدون نیاز به تطبیق یا طراحی ویژه قابل استفاده باشد. طراحی جهانی، نباید مانعی را برای وسایل امدادی برای گروه‌های خاصی از افراد دارای معلولیت، در صورت نیاز به آن‌ها، ایجاد نماید.»

۵- برابری از حیث حقوق کیفری

منظور از برابری از حیث حقوق کیفری، برخورداری کودکان استثنایی از حمایت‌های کیفری قانونگذار است، در اینجا نیز همانند حقوق اجتماعی، منظور این نیست که ساز و کارها دقیقاً یکی باشند، بلکه منظور دستیابی به هدف مورد نظر که بهره‌مندی از حمایت کیفری قانونگذار است، مد نظر می‌باشد. این نکته از این نظر در خصوص کودکان استثنایی دارای اهمیت است که این افراد، هم به دلیل کودک‌بودن و هم به دلیل ضعف و ناتوانی قوای جسمانی، آماج‌های مساعدتری برای بزه‌دیدگی هستند (۱۶). از این رو لازم است در خصوص این کودکان، از نوعی سیاست تبعیض مثبت، در راستای عدالت پیروی شود تا ضعف‌های ذهنی یا جسمی این افراد باعث خروج این افراد از حمایت‌های کیفری قانونگذار نشود.

البته در خصوص کودکان استثنایی ممکن است این فرض نیز مطرح شود که این کودکان مرتکب جرمی شوند. از نظر حقوق کیفری، اگر شخصی از نظر ذهنی به نحوی بوده که در زمان ارتکاب جرم فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، اساساً مسؤولیت کیفری ندارد و مجازات نمی‌شود، خواه کودک باشد و خواه بالغ (ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی). حال اگر فرد دارای اراده یا قوه تمییز باشد، دارای مسؤولیت نیز خواهد؛ با این حال از آنجایی که کودکان استثنایی علاوه بر ضعف ذهنی و ادراکی، اساساً صغیر محسوب شده و طبق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی، اشخاص نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند. بنابراین در ارتباط با کودکان استثنایی باید گفت علی‌القاعده این اشخاص فاقد مسؤولیت کیفری هستند، یعنی حتی در صورتی که این کودکان جرمی علیه شخص دیگری مرتکب شوند، هیچ وقت مجازات نخواهند شد.

نمایند (۱۳). در همین راستا نهادهای آموزشی ایالت‌های مختلف نیز با تهیه و انتشار مجموعه‌های مدون والدین را از حقوق خود در خصوص آموزش خاص کودکان معلول‌شان آگاه نموده و فرآیند دقیق آن را مشخص می‌کنند (۱۴-۱۵).

۲-۴- حق برخورداری از امکانات اجتماعی

منظور از برخورداری از امکانات اجتماعی، بهره‌مند شدن کودکان استثنایی از امکانات ورزشی، فرهنگی، تفریحی و... موجود در جامعه همانند سایر افراد است. با توجه به این‌که معمولاً امکانات ویژه افراد عادی طراحی و تدبیر می‌شوند، امکان استفاده کودکان استثنایی و افراد معلول از این امکانات در بسیاری از موارد وجود ندارد. از این رو برای بهره‌مندی این کودکان باید به طراحی خاص این امکانات به نحوی که آنان هم قادر به استفاده از آن‌ها باشند، اقدام کرد.

ماده ۴ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (۱۳۸۶ ش.) در این باره این‌گونه مقرر کرده که: «معلولان می‌توانند در استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو، هواپیما، قطار) از تسهیلات نیمه‌بها بهره‌مند گردند. تبصره: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت‌بدنی و شهرداری‌ها موظف‌اند کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و اماکن تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که مکان بهره‌مندی معلولان فراهم گردد.»

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت با توجه به تصویب از سوی مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷ ش.) و در حال حاضر یکی از منابع حقوقی ایران است، این امر را به طور کامل مورد توجه قرار داده است. بند «f» قسمت ۱ از ماده ۴ این کنوانسیون یکی از تعهدات دولت‌ها را بدین نحو مقرر داشته است: «پژوهش و توسعه کالاها، خدمات، تجهیزات و تأسیسات منطبق با طراحی جهانی را به گونه‌ای که در ماده ۲ این کنوانسیون تعریف شده است، انجام دهند یا ارتقا بخشند، به نوعی که نیازمند کم‌ترین سازگاری و هزینه در تأمین نیازهای ویژه افراد دارای معلولیت باشد، دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها را ارتقا بخشیده و طراحی جهانی را در توسعه استانداردها و دستورالعمل‌ها ارتقا بخشند.» ماده ۲ همین کنوانسیون مفهوم طراحی جهانی را چنین تعریف نموده است: «طراحی جهانی

فوق‌الذکر، با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم در خصوص پیگیری جرم را انجام می‌دهند.

این امر که اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد به اخذ رضایت ولی یا قیم محدود شده است، می‌تواند از نکات منفی این ماده باشد، زیرا قابل تصور است که والدین به دلایل گوناگون از قبیل ترس از انتقام یا مدیون‌بودن به مرتکب، نه‌تنها خود اقدامی برای پیگیری انجام ندهند، بلکه مانع پیگیری از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد شوند. بنابراین به نظر می‌رسد مناسب‌تر بود که قانونگذار پیگیری این موارد از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد را مطلق ذکر می‌کرد تا در جهت تحقق اهدافی که برای آن شکل گرفته‌اند، کارآمدتر باشند.

ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱ ش.) کودک‌آزاری را از جمله جرائم دانسته است که دارای جنبه عمومی بوده و نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد. همانطور که مشاهده می‌شود، قانونگذار در ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، جرائم علیه کودک استثنایی را از جمله مواردی دانسته است که توسط سازمان‌های مردم‌نهاد نیز قابل تعقیب است و این سازمان‌ها می‌توانند در تمامی مراحل دادرسی در دادگاه هم حضور داشته و هم به صورت فعال (با ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز) شرکت نمایند (۱۷). با این حال نقطه ضعف این ماده این است که این نهادها حق تجدید نظرخواهی از آرای صادره در خصوص این کودکان را ندارند.

۵-۲- جرم‌انگاری‌های خاص: منظور از جرم‌انگاری‌های

خاص در خصوص بیماران، این است که با وضع قوانینی خاص، جرم‌هایی را که بر علیه این افراد رخ می‌دهد، مورد توجه ویژه قرار گیرد و با این کار، توجه قانونگذار به حمایت کیفری از این اشخاص نمایان شود؛ امری که به آن، حساس‌سازی کیفری نیز گفته شده است. جرم‌انگاری‌های خاص در خصوص جرائم ارتكابی علیه افراد بیمار از چند جهت می‌تواند مهم باشد. نخست این‌که این افراد از قدرت دفاعی کم‌تری در مقابل تجاوزات برخوردارند و در صورتی که مورد بزه‌دیدگی قرار گیرند، به نسبت اشخاص عادی، کم‌تر قادر به دفاع از خود هستند؛ دوم این‌که چون بسیاری از این افراد قادر به تکلم یا برقراری ارتباط با دیگران نیستند، در بسیاری از موارد، حتی

اما در خصوص بزه‌دیدگی کودکان استثنایی موارد زیر را می‌توان مهم‌ترین مواردی دانست که برای دستیابی به برابری کیفری این کودکان با سایر افراد قابل طرح است:

۱-۵- جنبه عمومی‌دادن به جرائم علیه این کودکان:

طبق قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوای عمومی و خصوصی شود. منظور از دعوای عمومی، دعوایی است که به جهت لطمه به حقوق جامعه مطرح شده و منظور از دعوای خصوصی نیز دعوایی است که به دلیل لطمه به حقوق افراد مطرح شده است. دعوای عمومی توسط دادستان به عنوان مدعی‌العموم و دعوای خصوصی توسط افراد صدمه‌دیده از جرم مطرح تعقیب می‌شود. از این رو اگر جرمی فقط دارای جنبه خصوصی باشد، بدون شکایت بزه‌دیده از آن جرم قابل تعقیب و پیگیری نیست. با این توضیحات می‌توان گفت، یکی از راه‌کارهای حمایتی از کودکان استثنایی را می‌توان جنبه عمومی دادن به جرائم ارتكابی علیه این کودکان دانست، یعنی چنانچه کودکی استثنایی بزه‌دیده جرمی واقع شده، مدعی‌العموم هر شهر، بدون این‌که منتظر شکایت از طرف ولی یا سرپرست کودک باشد، بتواند خود به تعقیب مجرم یا مجرمین بپردازد، جنبه عمومی دادن به جرائم علیه کودکان استثنایی این مزیت را نیز دارد که چنانچه ولی یا سرپرست این کودکان به هر دلیلی از شکایت خود علیه مجرم، صرف نظر کند یا این‌که بعد از صدور حکم دادگاه، مجرم را ببخشد، باز هم دادگاه مجرمی که علیه این کودکان مرتکب جرم شده را مجازات می‌کند.

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان یا افراد دارای بیماری‌های جسمی یا ذهنی است را، مجاز دانسته است که چنانچه در این موارد جرمی واقع شد، در حمایت از این افراد اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند، البته تبصره ۱ همین ماده (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۱۴) کسب رضایت ولی قیم یا سرپرست قانونی این افراد را لازم دانسته، مگر در صورتی که ولی، قیم یا سرپرست قانونی این افراد، خود مرتکب جرمی علیه آن‌ها شده باشد که در این صورت، سازمان‌های مردم‌نهاد

نمی‌توانند ولی یا سرپرست خود را از جرم ارتكابی آگاه سازند؛ سوم این‌که در بسیاری موارد ربایش این افراد ممکن است این‌گونه به نظر آید که به علت عقب‌ماندگی ذهنی گم شده‌اند. بنابراین اذهان اولیا و مأمورین انتظامی از پیگیری ربایش آن‌ها، معطوف به گم‌شدن آن‌ها شود. بر این اساس این افراد، گزینه‌های مناسب‌تری برای برخی از جرائم نظیر تجاوز، ربایش (به جهت سوء استفاده جنسی، قاچاق اعضای بدن و...) هستند (۱۸)، در نتیجه شایسته است مقنن با وضع جرائمی خاص، به طور ویژه از این اشخاص حمایت نماید. بر همین اساس به بررسی مهم‌ترین مواد قانونی می‌پردازیم که قانونگذار در خصوص کودکان دارای شرایط خاص (و نه لزوماً استثنایی) وضع کرده است.

ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات (۱۳۷۵ ش.)، یکی از موادی است که در این خصوص شایان توجه است. بر طبق این ماده «هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد، در محلی که خالی از سکنه است، رها نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد، رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن آسیب یا صدمه یا فوت شود، رهاکننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد.»

شخصی که در این ماده مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است، شخصی است که قادر به محافظت از خود نیست. این شخص می‌تواند شخصی معلول، بیمار روانی، مجنون، کودک استثنایی و مواردی از این دست باشد که به علت ویژگی‌های روانی و جسمانی خود، قادر به محافظت از خود نمی‌باشد. بر این اساس مقنن برای رهاکردن این شخص، در جایی که خالی از سکنه باشد و جای دارای سکنه قائل به تفکیک شده است. در حالت نخست، با توجه به این‌که خطرات احتمالی بیشتری شخص رهاشده را تهدید می‌کنند، مقنن قائل به مجازاتی شدیدتر شده است که با توجه به کم‌تربودن خطرات احتمالی در حالت دوم، مجازات مقرر شده برای مرتکب در این حالت،

نصف حالت نخست است. باید توجه داشت که مجازات پیش‌بینی‌شده برای شخص رهاکننده، اعم از این است که به شخص رهاشده آسیبی وارد آید یا خیر. بنابراین حتی اگر شخص رهاشده، بلافاصله بعد از رهاشدن توسط عابری که به طور اتفاقی از آن محل می‌گذرد، شناسایی شود و هیچ خطری هم متوجه او نشود، باز هم مرتکب این جرم به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده محکوم خواهد شد. علاوه بر این چنانچه در اثر این رفتار، به شخص رهاشده آسیبی یا صدمه‌ای وارد شود و یا این شخص فوت نماید، رهاکننده او علاوه بر مجازات‌های ذکر شده به مجازات آسیب یا صدمه‌ای که به او وارد آمده است، نیز محکوم خواهد شد.

سوء استفاده از ضعف نفس ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات: بر اساس این ماده، «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی، اعم از تجاری و یا غیر تجاری، از قبیل، برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصا حساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگری شود، به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارات مالی، به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

در خصوص این ماده نیز نکات ذیل قابل توجه است، نخست این‌که، هرچند در صدر ماده، سوء استفاده از ضعف نفس به صورت کلی هم در خصوص افراد عادی و هم غیر عادی مورد توجه قرار گرفته است، با این حال با توجه به ادامه ماده که به افراد غیر رشید اشاره کرده است، باید قائل بر این بود که منظور از سوء استفاده از ضعف نفس، در خصوص افراد غیر رشید است و نه تمامی افراد (۱۹)؛ دوم، قانونگذار در اقدامی قابل توجه، ارتکاب این جرم از طریق کسی که عنوان ولایت، وصایت یا قیمومت بر این افراد را دارد را با مجازات شدیدتری مورد توجه قرار داده است که از این نظر اقدامی مؤثر و قابل دفاع به شمار می‌آید؛ سوم این‌که، هرچند در این

ماده نیز ذکری از عنوان کودک استثنایی به میان نیامده است، با این حال با توجه به این که کودک استثنایی نیز شخص غیر رشید به شمار می‌آید، بنابراین در این مورد نیز می‌توان قائل به شمول ماده بر او بود.

۳-۵- تشدید مجازات مرتکبان جرائم علیه این افراد:

بزه‌دیدگی کودکان استثنایی را می‌توان از دو منظر مورد توجه قرار داد، نخست این که وقتی این کودکان، مستقیماً بزه‌دیده واقع شده و جرم بر روی آن‌ها ارتکاب می‌یابد؛ دوم وقتی است که از این کودکان به عنوان ابزاری جهت ارتکاب جرم استفاده می‌شود. در حالت اخیر، درست است که این کودکان در فرایند عمل مجرمانه دخالت دارند، ولی چون از خود اختیاری ندارند، نه‌تنها مسؤولیتی ندارند، بلکه کسی که از آن‌ها برای ارتکاب جرم بهره‌برداری کرده است، مجرم بوده و مسؤولیتی مضاعف دارد.

در خصوص تشدید مجازات جرم ارتكابی بر کودکان استثنایی، ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، از مواد مهمی است که وضع شده است، بند «پ» این ماده، ارتکاب رفتاری که موجب مرگ شده است را در موارد اعمال این رفتارها بر برخی اشخاص، با مجازات شدیدتری مورد توجه قرار داده است. در این بند از ماده ۲۹۰ چنین آمده است، «هرگاه مرتکب قصد انجام جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی‌علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگری و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.»

قانونگذار در این ماده، ارتکاب رفتاری که در حالت عادی موجب مرگ افراد معمولی نمی‌شود را در صورتی که همان رفتار بر روی افرادی دارای وضعیت (از جمله کودکان استثنایی) ارتکاب یابد موجب عمدی محسوب شدن رفتار مرتکب دانسته و به عنوان قتل عمد قابل مجازات دانسته است. به عنوان مثال، اگر شخصی، انسان بالغی را در محلی

دور از شهر رها کند (به طوری که آن شخص رها شده بتواند خود به شهر بازگردد، ولو با طی مسافتی زیاد) و آن شخص بر اثر این رهاشدن، مثلاً مسیر را گم کند و تلف شود در این حالت قتل عمدی نیست و مرتکب قصاص نمی‌شود (هرچند دیده دارد)، چون به هر حال این رفتار نسبت به شخص بالغ کشنده نیست، ولی چنانچه همین رفتار نسبت به کودکی استثنایی انجام شود، مرتکب به علت قتل عمد قصاص می‌شود. در خصوص استفاده از کودکان برای ارتکاب جرم نیز، بر طبق ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش)، هر کس از فرد نابالغی به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید، به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد، در واقع قانونگذار در این ماده نوعی سیاست تشدید مجازات را جهت حمایت از کودکانی وضع کرده است که به عنوان ابزاری در دست مجرمین قرار دارند. یکی از این موارد که می‌تواند به عنوان مصداق استفاده از کودکی برای ارتکاب جرم باشد، حمل مواد مخدر توسط این کودکان، برای افراد بالغ است.

نتیجه‌گیری

چرایی بهره‌مند شدن برابر کودکان استثنایی از حقوقی مضاعف نسبت به سایر شهروندان جامعه، موضوعی است که بی‌شک هم از نظر عقل و هم از نظر اخلاق، قابل پذیرش است. از آنجایی که یکی از وظایف قانونگذار، وضع قوانین و هنجارهای قانونی برای حمایت از اصول اخلاقی است، بنابراین شایسته است قانونگذار با وضع قوانین خاص زمینه بهره‌مند شدن این افراد، از حقوقی برابر با حقوق سایر افراد را فراهم نماید.

در قوانین ایران، هرچند به طور خاص به کودکان استثنایی و حقوق آن‌ها اشاره نشده است، با این حال، با جستجو در قوانین مختلف، می‌توان نمونه‌هایی از توجه قانونگذار به این کودکان را ملاحظه کرد که ذیل دو عنوان برابری از حیث حقوق اجتماعی و برابری از حیث حقوق کیفری قابل تبیین هستند. در خصوص برابری از حیث حقوق اجتماعی، تمرکز بر جنبه ایجابی و فراهم آوردن امکاناتی به منظور بروز و ظهور

استعدادهای کودکان استثنایی، مورد توجه قرار دارد. به عبارت دیگر در این قسمت، قانونگذار (و نیز جامعه) با اتخاذ تدابیری سعی در فراهم آوردن بسترهای لازم برای رشد کودکان استثنایی هستند. در خصوص برابری از حیث حقوق کیفری نیز هدف قانونگذار به ویژه حمایت از کودکان استثنایی در برابر بزه‌دیدگی و مورد سوء استفاده قرار گرفتن است.

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی در این نوشتار، موارد زیر می‌توانند مد نظر قانونگذار ایران قرار گیرد.

- مفهوم واضحی از کودکان استثنایی را تعریف کرده و ذیل قوانین مربوط به حقوق کودکان، قواعد و مقررات مرتبط به حقوق این کودکان را به صراحت تبیین نماید.

- تدوین سیاست‌های افتراقی در فرایند رسیدگی کیفری، به گونه‌ای که رسیدگی به جرائم ارتكابی علیه کودکان استثنایی از رژیم افتراقی خاصی پیروی نماید.

- تعیین و تشدید مجازات برای مرتکبین جرائم علیه کودکان استثنایی، به گونه‌ای که مجازاتی شدیدتر در ارتكاب جرائم علیه این افراد، توسط قانونگذار در نظر قرار گیرد.

References

1. Bakhtiar Nejad P. The largest social minority and deprivation of human rights. *Social Security Quarterly* 2004; 16(1):169-184. [Persian]
2. Achiron M. From Exclusion to Equality, Realizing the Rights of persons with Disabilities. Geneva: United Nations; 2007.
3. Nabati N. Protecting the Hamdicapped in International System of Human Rightrs. Tehran: The SD Institute of Law Research and Study & Study; 2010. [Persian]
4. Kamali M, Iran F. A review of the rights of children with disabilities and disabilities. *Social Welfar Quarterly* 2003; 7(2): 93-110. [Persian]
5. United Nations. Convention on the Rights of Persons with Disabilities. New York: publisher; 2006. Available at: <http://www.un.org/esa/socdev/enable>.
6. Chiniforushan M. Exceptional Education with Exceptional Children. *Journal of Growth Teacher* 2000; 82(4): 23-34. [Persian]
7. Bokhowen HV, Kramer JM. Disruption of the opigentic code: An emerging mechanism in mental retardation. *Neurobiology of Disease* 2010; 39(1): 3-12.
8. Afruz GH-A. Who are Exceptional Children? What is Education of Exception? *Journal of Payvand* 2001; 23(4): 8-20. [Persian]
9. Ghazi GH. Children rights on Iran and world. *Journal ol Psychology and Education Science* 1990; 1(4): 144-158. [Persian]
10. Halahan DP, Kafman JM. Ecxeptional Children: Introduce to special education. Translated by Javadian M. Tehran: Behnashr Publication; 1999. [Persian]
11. Soltani Kuhbanani S, Khosrorad R. Deficiencies and training in deaf children: (description, explanation and strategies). Tehran: Havar Publication; 2014. [Persian]
12. Saneei M. Equality on human rights and its historical background. *Human Sciences Research Journal* 2003; 13(39-40): 87-106. [Persian]
13. The Individuals with Disabilities Education Act (IDEA). 1990. Available at: <https://sites.ed.gov/idea/>.
14. Public schools of North Carolina, Parent rights & responsibilities in special education: NC notice of procedural safeguards; 2016. Available at: <https://ec.ncpublicschools.gov/parent-resources/ecparenthandbook.pdf>.
15. Ohio Department of Education, a Guide to Parent Rights in Special Education, Special Education Procedural Safeguards Notice; 2017. Available at: [https://education.ohio.gov/getattachment/Topics/Special-Education/ODE_ParentRights_040617.pdf.aspx](https://education.ohio.gov/getattachment/Topics/Special-Education/A-Guide-to-Parent-Rights-in-Special-Education/ODE_ParentRights_040617.pdf.aspx)
16. Baladerian Nora J. Sexual Abuse of People with Developmental Disabilities, *Sexuality and Disability* 1991; 9(4): 323-335.
17. Khaleghi A. Brief Commentaries on: Code of Criminal Procedure. Tehran: The SD Institute of Law Research and Study & Study; 2015. [Persian]
18. Schaafsma D, Kok G, Stoffelen Joke MT, Curfs Leopold MG. Identifying Effective Methods for Teaching Sex Education to Individuals with Intellectual Disabilities: A Systematic Review. *Journal of Sex Research* 2015; 52(4): 412-432.
19. Sadeghi HMM. Offences against Property. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2013. [Persian]